

نقش روحیه توحیدی در اجرای اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: 1396/11/23 تاریخ پذیرش: 1397/3/19

سید محمود موسوی*

چکیده

رفتارهای انسان تحت تأثیر علاقه‌ها و کشش‌های درونی شکل می‌گیرد که آموزه‌های دینی یکی از مهم‌ترین این علایق است که به شکل‌گیری بینش و سرانجام منش انسان می‌انجامد. انسان موحد به سبب نوع جهان‌بینی‌اش، رفتارهای متفاوتی در تدبیر حیات و معیشت خود دارد. اقتصاد مقاومتی ایده‌ای برگرفته از آموزه‌های دینی برای تدبیر معیشت و حفظ و صیانت اقتصاد جامعه در برابر آسیب‌های آن است که رفتارهای اقتصادی انسان موحد می‌تواند زمینه‌ساز پیاده‌سازی اصول آن باشد. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی تحلیلی و برشمردن ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی به بررسی روحیه‌های توحیدی مرتبط با اقتصاد در انسان موحد پرداخته و نقش هر کدام را در تقویت اقتصاد مقاومتی بررسی می‌کند و ضمن تبیین ارتباط اقتصاد مقاومتی با رفتارهای انسان موحد در بستر جامعه به این نتیجه رسیده که تقویت عدالت اجتماعی، مقاومت در برابر عامل‌های تهدیدزا اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های داخلی، کاهش وابستگی به درآمد نفت، جنبش علمی، جهاد اقتصادی، مردم‌محوری، فسادستیزی، تأمین رفاه طبقه ضعیف و سرانجام پیش‌برد جامعه به سمت سلامت و پویایی اقتصاد، از جمله دستاوردهای نگاه توحیدی انسان در مسئله اقتصاد مقاومتی است.

واژگان کلیدی: توحید، اقتصاد مقاومتی، روحیه توحیدی، انسان موحد.

طبقه‌بندی JEL: Z12, Z19.

*. دکترای علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، مدرس مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم.

مقدمه

نظام‌های گوناگون اقتصادی در درون بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی جوامع گوناگون شکل می‌گیرد و ارتباط درهم‌تنیده بین آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر هر نظام اقتصادی در هر فرهنگ و جامعه‌ای بر پایه‌های خاص خود استوار است و هر فرهنگی به میزان هم‌خوانی با این بنیان‌ها با این نظام‌های اقتصادی سازگاری می‌یابد.

تا اوایل دهه 60 میلادی توسعه، فرایندی اقتصادی و فنی شمرده می‌شده که در افزایش سرانه محصول ناخالص ملی و به‌صورت پدیدآوردن فرصت‌های شغلی دیگر و امکان‌های اقتصادی ضروری برای توزیع گسترده‌تر منافع اقتصادی و اجتماعی حاصله تبلور می‌یافت اما در اواخر این دهه به تدریج آشکار شد که هر چند رشد، شرط ضروری توسعه است اما نباید آن را معادل توسعه تلقی کرد و باید به جنبه‌های زندگی از جمله توزیع درآمد و نیروی انسانی نیز توجه شده و توسعه نباید به انباشتگی سرمایه خلاصه شود. طی دهه‌های 80 و 90 میلادی مفهوم‌های جدید از فرهنگ و توسعه مطرح شد که فرایندی چندبعدی داشت. (دپویی، 1374، ص 9-10) از این برهه اقتصاددانان وارد پرسش‌های نظری فرهنگی شده‌اند. نظام اعتقادی (Belief system) و طرح و نقشه فکری (Cognitive maps) ساختار فهم رفتارهای فردی و اجتماعی را جهت می‌دهند. در تمام وقایع اقتصادی شرایط فرهنگی نقش فراوانی بازی می‌کنند (Graf, 2004, p180). علم اقتصاد نمی‌تواند به انسان و رابطه‌های انسانی توجه نکند و به انگیزه‌های وی که در رفتارشان اثر دارد بی‌توجه باشد و انسان را خستنا فرض کند.

دین در بحث‌های اقتصاد سیاسی می‌تواند به‌عنوان سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا کند. دین در شکل‌دهی شبکه اجتماعی اثر دارد (هملین، 1386، ص 107). نقش دین در اقتصاد یک جامعه در پاسخ به پرسش‌های زیر نمایان می‌شود (Koch, 2007, p47):

- تعریف انسان از دید دین چیست؟
- هدف این انسان در زندگی نیا چیست؟
- آیا آخرتی وجود دارد؟ آموزه‌های دینی استفاده از چه کالاهایی را مجاز یا غیرمجاز شمرده است.
- از نگاه دین وجدان کاری، تدبیر معیشت، تعاون، کسب حلال و ... چه جایگاهی در

منظومه فکری انسان دارد؟

- رابطه عدالت‌خواهی مؤمن با اقتصاد چگونه است؟

- آبادانی زمین چه جایگاهی در جامعه توحیدی دارد؟

در پاسخ به این پرسش‌هاست که رفتارهای انسان مؤمن تعریف می‌شود و شکل می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال، ربا از نگاه انسان موحد حرام است؛ بنابراین منع ربا در جامعه‌ای که انسان‌های موحد دارد می‌تواند بسیاری از دشواری‌های اقتصادی را مرتفع کند.

بین روحیه توحیدی و اقتصاد مقاومتی تلازم وجود دارد. این تلازم تا جایی است که اگر روحیه توحیدی جامعه تقویت شود، فرهنگ مردم طبق آن شکل بگیرد و انسان موحد تربیت شود، اقتصاد مقاومتی هم شکل خواهد گرفت؛ بنابراین اگر در جامعه‌ای اقتصاد مقاومتی نبود، شاید بتوان نتیجه گرفت روحیه توحیدی جامعه کم‌رنگ بوده و فرهنگ اسلامی شکل نگرفته است. مقاله پیش‌رو در پی تبیین رابطه روحیه توحیدی و اقتصاد مقاومتی است.

در مقاله پیش‌رو کوشیده شده است با شمردن ویژگی‌های انسان موحد اثر این ویژگی‌ها در رفتار اقتصادی انسان موحد توضیح داده شود و سرانجام نقش این نوع رفتارهای اقتصادی در اجرای اقتصاد مقاومتی بررسی شود.

پیشینه پژوهش

با توجه به جدیدبودن موضوع اقتصاد مقاومتی، کتاب‌ها و مقاله‌های محدودی در این باره نگارش شده است و به طریق اولی در حیطه رابطه روحیه توحیدی و اقتصاد مقاومتی مطالب محدودتری به رشته تحریر در آمده است. با این حال تعدادی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در این موضوع نگارش شده‌اند به قرار زیر هستند:

احمدعلی یوسفی (1396) در کتابی با عنوان **نظام اقتصاد مقاومتی** به بررسی مبانی و معارف اسلامی اقتصاد مقاومتی و تبیین ابعاد آن پرداخته است. به این منظور مسائل زیر بررسی شده است: مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، هدف‌های فعالان اقتصادی و ساختار نظام اقتصادی اسلام، هدف‌های کلان نظام اقتصادی اسلام و اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام. در قسمت هدف‌های فعالان اقتصادی به‌طور مستقیم مبانی هستی‌شناختی به‌ویژه خداشناختی فعالان اقتصادی بررسی شده که مرتبط با موضوع مقاله پیش‌رو است.

سیدحسین میرمعزی (1391) در مقاله «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن» به تعریف اقتصاد مقاومتی از دید مقام معظم رهبری می‌پردازد و ارتباط ساختاری موجود در اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی را بررسی می‌کند و در ادامه اصول حاکم بر اقتصاد اسلامی را می‌شمرد. عباس‌علی اختری (1392) در کتاب اقتصاد مقاومتی زمینه‌ها و راهکارها در بخش اول این کتاب به نگاه اسلام به مسائل اقتصادی می‌پردازد و در این باره به آموزه‌های موجود در قرآن کریم و روایت‌های رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام استناد می‌کند. در بخش دوم به بایدهای منابع تولید ثروت از دیدگاه اسلام می‌پردازد در بخش سوم بایدهای مربوط به توزیع و مصرف بررسی می‌شود. در بخش چهارم و پایانی بایدهای مدیریتی در اقتصاد مقاومتی کنکاش شده است.

بررسی کتاب‌ها و مقاله‌های مشابه موارد بالا نشان می‌دهد حوزه‌های گوناگونی از ابعاد اقتصاد مقاومتی در این کتاب‌ها و مقاله‌ها کنکاش شده است و در مقاله پیش‌رو کوشیده می‌شود به بررسی بیشتر و جزئی‌تر این موارد پرداخته شود.

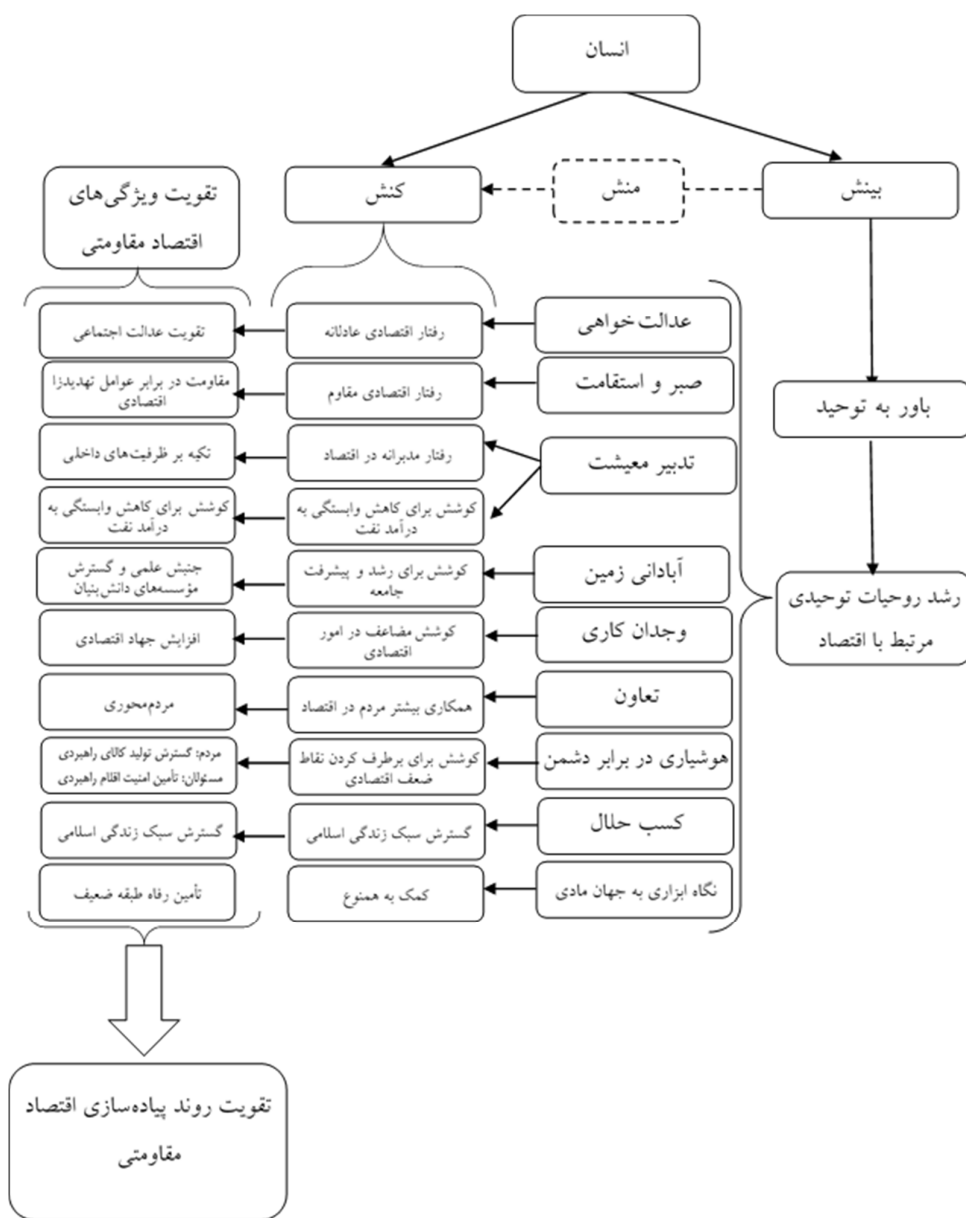
مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی مبتنی بر چارچوب نظری پژوهش است که رابطه اجزای پژوهش را به صورت شکل نشان می‌دهد. الگوی مفهومی پژوهش چارچوبی است که تمام تحقیق روی آن بنا می‌شود و از راه آن پژوهشگر میان عواملی که در پدیدآمدن مسئله پژوهش مهم هستند ارتباط برقرار می‌کند. پس از شناسایی متغیرهای مناسب، باید شبکه ارتباطات میان متغیرها به درستی بنا شود؛ به طوری که بتوان فرضیه‌های مربوط را پدید ساخت و آزمون کرد (خاکی، 1382، ص 30).

اجزای مدل مفهومی مقاله پیش‌رو به شرح زیر است:

1. انسان: انسان یگانه عامل تعیین‌کننده در مناسبت‌های اقتصادی است. عامل شکل‌گیری رفتار اقتصادی انسان گرایش‌های درونی وی است که از آن به باور یاد می‌شود. نمود بیرونی باور، رفتار انسان است.

- 2. باور:** وجود باور به یک امر مادی یا غیرمادی از ویژگی‌های باطنی انسان است که سرانجام به حب یا بغض در برابر آن امر مادی یا غیرمادی می‌انجامد.
- 3. رفتار:** نمود بیرونی باورهای انسان در رفتار وی تجلی می‌کند. انسان عملی را انجام می‌دهد که به آن باور دارد و نسبت به آن حب می‌ورزد و برعکس عملی را ترک می‌کند که به آن باور ندارد و به آن بغض می‌ورزد.
- 4. بینش توحیدی:** یکی از باورهای انسان، باور به یگانگی خداوند متعال ﷻ است. باور به خداوند خالق به پدیدآمدن حب به دستورهایی می‌انجامد که از ناحیه وی بر انسان صادر شده است.
- 5. منش توحیدی مرتبط با اقتصاد:** خداوند متعال ﷻ دستورهای متنوعی در حوزه‌های گوناگون زندگی انسان صادر کرده‌اند که برخی از آنها به‌طور مستقیم مرتبط به زندگی اقتصادی وی است از جمله: عدالت‌خواهی، صبر و استقامت، تدبیر معیشت، آبادانی زمین، وجدان کاری، تعاون، هوشیاری در برابر دشمن، کسب حلال و نگاه ابزاری به جهان.
- 6. کنش‌های اقتصادی انسان موحد:** رفتارهای اقتصادی انسان موحد برگرفته از باورهای وی شکل می‌گیرد که بر دستورهای خداوند متعال ﷻ استوار است.
- 7. ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی:** رفتارهای اقتصادی انسان موحد به‌طور مستقیم به تقویت ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی می‌انجامد. ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی برگرفته از تعریف‌های مقام معظم رهبری است.
- 8. نتیجه نهایی مقاله** پیش‌رو نشان‌دهنده نقش مستقیم روحیه توحیدی در تقویت روندهای مربوط به پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی است. تناسب موجود بین روحیه‌های انسان موحد با ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی به تقویت این روند می‌انجامد.



تعریف اقتصاد مقاومتی

1. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که نخستین بار به وسیله مقام معظم رهبری به کار گرفته شد و وارد ادبیات سیاسی اقتصادی کشورمان شد. با توجه به این که مبدع این واژه، وی هستند؛ بنابراین در تعریف آن باید به بیانات مقام معظم رهبری مراجعه شود.
2. مقام معظم رهبری در تبیین معنای اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:
«وظیفه همه ما این است که بکوشیم کشور را مستحکم غیرقابل نفوذ غیرقابل تأثیر از سوی دشمن حفظ کنیم و نگه داریم این یکی از اقتضات اقتصاد مقاومتی است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد باید بتواند در برابر آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار گیرد مقاومت کند» (بیانات مقام معظم رهبری، 92/1/1).
3. در این بیان‌ها، صفت مقاومتی به عنوان رکن اساسی اقتصاد مقاومتی بر شمرده می‌شود. مفهوم مقاومت نیز زمانی معنا پیدا می‌کند که توطئه و دشمنی در میان باشد؛ بنابراین با توجه به این که در عصر کنونی کشور تحت فشارها و توطئه‌های شدید اقتصادی از طرف دشمنان انقلاب اسلامی قرار دارد مقاوم کردن اقتصاد و پیاده کردن اقتصاد مقاومتی امری ضروری شمرده می‌شود.
4. مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:
«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند» (بیانات مقام معظم رهبری، 1391/6/2).
5. نکته قابل توجهی که مقام معظم رهبری در تبیین اقتصاد مقاومتی به آن اشاره می‌کنند دو ویژگی مهم آن است که هم‌زمان باید وجود داشته باشد:
 1. مقاومت در برابر توطئه دشمن؛
 2. حفظ روند رو به رشد اقتصادی؛ بنابراین اقتصاد مقاومتی یگانه راهبردی برای دوران تحریم‌ها نیست بلکه راهبردی بلندمدت برای اقتصاد کشور در تمامی زمان‌ها و شرایط سیاسی اجتماعی و اقتصادی است.

6. با توجه به مطالبی که گفته شد اقتصاد مقاومتی نظام اقتصادی هم‌زمان با مقاومت در برابر عوامل مخل و مخرب داخلی و خارجی است. در اجرای اقتصاد مقاومتی بخش‌های گوناگون دولتی، مردمی، ساختارهای و قوانین موجود نقش منحصر به فرد خود را ایفا می‌کنند و یگانه راه تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، ترمیم و اصلاح تمامی بخش‌های مرتبط به‌صورت موزون و هدفمند است.

ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در جهت تبیین چستی، چرایی و چگونگی اقتصاد مقاومتی مطالب فراوانی ارائه کرده‌اند اما در جلسه دیدار با فعالان اقتصادی و کارگزاران دولت در تاریخ 1392/12/20 به‌صورت دسته‌بندی شده به تبیین ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند که به‌صورت اختصار به آن اشاره خواهیم کرد.

براساس تعریف مقام معظم رهبری مجموعه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در حقیقت الگویی بومی و علمی، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و متناسب با وضعیت امروز و فردای کشور است. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، فقط برای شرایط کنونی نیست بلکه تدبیری بلندمدت برای اقتصاد کشور و رسیدن به هدف‌های بلند اقتصادی نظام اسلامی است. این سیاست‌ها قابل تکمیل و انطباق با شرایط گوناگون است و در عمل اقتصاد کشور را به حالت انعطاف‌پذیری می‌رساند و شکنندگی اقتصاد در شرایط گوناگون را برطرف می‌کند. در بیان ویژگی‌های این اقتصاد از زبان مقام معظم رهبری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. نخستین ویژگی اقتصاد مقاومتی «عدالت اجتماعی» است. «عدالت اجتماعی، مهم‌ترین شاخص، در میان این شاخص‌هاست؛ زیرا نظام اسلامی رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنای واقعی کلمه، بهبود یابد» (بیانات مقام معظم رهبری 1392/12/20).

2. توانایی مقاومت در برابر عامل‌های تهدیدزا دومین ویژگی اقتصاد مقاومتی است: «تکانه‌های اقتصادی دنیا، بلایای طبیعی و تکانه‌های تخصصی همچون تحریم‌ها از جمله این عوامل تهدیدزاست» (همان).

3. سومین ویژگی اقتصاد مقاومتی، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی است: «این ظرفیت‌ها شامل ظرفیت‌های گسترده علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی است که باید برای اجرای سیاست‌ها، بر آن‌ها تکیه شود» (همان). در تبیین این مسئله مقام معظم رهبری می‌فرماید: «تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به معنای چشم‌پوشی بر امکانات کشورهای دیگر نیست بلکه نظام اسلامی در کنار اتکا به داشته‌های داخلی، از امکانات دیگر کشورها نیز استفاده حداکثری خواهد کرد» (همان).

4. چهارمین ویژگی اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت است که وی می‌فرماید: «یکی از سخت‌ترین آسیب‌های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است ... باید ما یک فکر اساسی بکنیم ... نفت را می‌توان به صورت فرآورده در اختیار گذاشت که در این سیاست‌ها دیده شده. یک کار اساسی و مهمی که باید انجام بگیرد این است» (همان).

5. پنجمین ویژگی اقتصاد مقاومتی، دانش‌بنیان بودن آن است: «اقتصاد دانش‌بنیان از مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی هر کشور است و اگر این موضوع مورد توجه جدی قرار گیرد، قطعاً چرخه علم تا ثروت تکمیل خواهد شد» (همان).

6. ششمین ویژگی، رویکرد جهادی است: «اجرای این سیاست‌ها، با حرکت عادی و شاید خواب‌آلوده و بدون حساسیت امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی است» (همان).

7. مردم‌محوری، هفتمین ویژگی اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود:

«براساس معارف اسلامی و دینی و هم‌چنین براساس تجربه‌های 35 سال اخیر، در هر عرصه‌ای که مردم وارد میدان شوند، عنایت و پشتیبانی الهی نیز همراه می‌شود و کارها به پیش خواهد رفت ... باید زمینه استفاده از توان نیروهای بی‌پایان مردمی اعم از فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان سرمایه و افراد صاحب مهارت فراهم و از آنان حمایت شود و مسئولیت عمده در این باره بر عهده دولت است» (همان).

8. تأمین امنیت اقتصادی را هشتمین ویژگی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی معرفی می‌کنند: «مسئله ششم امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه اول غذا و دارو. باید تولید

داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، درباره تغذیه و دارو دچار مشکل نشود» (همان).

9. فسادستیزی نهمین ویژگی اقتصاد مقاومتی است: «لازمه فعالیت سالم و پرتحرک اقتصادی، امنیت می‌باشد و لازمه امنیت اقتصادی نیز، برخورد با مفسدان اقتصادی و افرادی است که قانون را دور می‌زنند» (همان)

10. دهمین ویژگی اقتصاد مقاومتی پافشاری بر رفاه طبقات ضعیف است: «اقتصاد مقاومتی برعکس این شبهه‌ها، به رفاه و بهبود زندگی عموم مردم و به‌ویژه طبقات ضعیف خواهد انجامید» (همان).

منش‌های توحیدی و اثر آن بر کنش‌های اقتصادی انسان موحد

دین اسلام ارائه‌دهنده جهان‌بینی برای اداره جامعه و راهنمای انسان موحد به سوی کمال و سعادت واقعی است که باید‌ها و نباید‌هایی منطبق بر نیازهای مادی و معنوی بشر، برای وی ترسیم می‌کند. باور به توحید باعث شکل‌گیری روحیه‌های توحیدی گوناگونی در انسان موحد می‌شود. باور به توحید نیز درجه‌هایی دارد که هر اندازه درجه آن بیشتر باشد شدت و قوت روحیه‌های توحیدی افزایش خواهد یافت. باورهای درونی در رفتارهای انسان نمود بیرونی پیدا می‌کنند. در این قسمت به بررسی آن دسته از روحیه‌های انسان موحد خواهیم پرداخت که در رفتار اقتصادی وی نقش داشته و نمود بیرونی آن شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است.

1. انسان موحد و عدالت‌خواهی اقتصادی

بی‌تردید، رسیدن به توازن اجتماعی و تقارن نسبی افراد جامعه در برخورداری از سطح زندگی شرافتمندانه از هدف‌های اقتصاد اسلامی است. در این‌باره قرآن کریم، پس از بیان حکم غنائم فراوان جنگ بنی‌نضیر، به حکمت توزیع عادلانه آن چنین اشاره می‌فرماید: «كَيْ لَأَيُّكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ» «این به آن جهت است که این اموال عظیم، فقط میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نشود» (حشر، 7). این عبارت کوتاه خطوط اصلی اقتصاد در نگاه اسلام را نشان می‌دهد. اسلام می‌خواهد با این سازوکارهای توزیعی از انباشته‌شدن ثروت در دست افراد و

شرکت‌های خاص جلوگیری کند و آن را مانند خون به تمام رگ‌های حیاتی جامعه برساند. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آنگاه‌که میان مردم (در توزیع ثروت‌ها و درآمدها) عدالت اقتصادی حکم‌فرما شود، همگان بی‌نیاز می‌شوند» (کلینی، 1407ق، ص 568).

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری، موضوع عدالت اقتصادی در جامعه است. اجرای تصمیم‌های اقتصادی در جدید پدیدساختن و حفظ عدالت اقتصادی از شکل‌گیری شکاف‌های عمیق طبقاتی در جامعه جلوگیری خواهد کرد که می‌تواند جلوی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... را بگیرد. با توجه به پافشاری فراوان اسلام به امر رفتار عادلانه، انسان موحد خواهد کوشید تا عدالت در زندگی اقتصادی اجرا شود؛ بنابراین در برابر بی‌عدالتی‌ها ساکت نخواهد ماند و برای برطرف کردن تبعیض‌های اقتصادی خواهد کوشید.

افراد در جامعه به دو دسته مدیر و مردم عادی تقسیم می‌شوند که داشتن روحیه توحیدی می‌تواند در عملکرد هر دو گروه برای گسترش عدالت در جامعه نقش به‌سزایی را ایفا کند. نمود بیرونی باور به توحید در مدیران در مقام تدبیر و برنامه‌ریزی ظهور کرده و خواهند کوشید که برنامه‌هایی را در دستور اجرا قرار دهند که به عدالت اقتصادی بینجامد و نمود بیرونی باور به توحید در بین مردم عادی نیز در اجرای اقدام‌های اقتصادی عدالت‌محور، ظهور خواهند کرد. تمام این موارد بستگی به میزان و درجه باور توحیدی افراد دارد. روحیه عدالت‌خواهی که از روحیه توحیدی سرچشمه می‌گیرد می‌تواند عامل قدرتمندی در جهت پیشبرد هدف‌های اقتصاد مقاومتی و برپایی عدالت اقتصادی باشد (عیوضلو، 1386، ص 92-90).

2. انسان موحد و صبر و استقامت اقتصادی

یگانه راه پیروزی بر دشواری‌ها، استقامت است و این امر جز با ایمان راسخ به دست نمی‌آید (آل عمران، 139). مؤمنان حقیقی، براساس وعده‌ای که خداوند متعال جل جلاله به آن‌ها داده هیچ‌گاه در برابر دشمنان بیمناک نمی‌شوند و امید پیروزی دارند (منافقون، 8). خداوند متعال جل جلاله در آیه‌های گوناگونی به این موضوع اشاره کرده است: «ولا تهنوا ولا تخزنوا وأنتم الأعلون إن كنتم مؤمنین» (آل عمران، 139)؛ «و سست نشوید! و غمگین نشوید و شما برترید، اگر ایمان داشته

باشید!» «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض ...» (نور، 55)؛ «خداوند متعال ﷺ به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد ...».

خداوند متعال ﷺ در قرآن کریم تصریح فرموده که مؤمنان را به سبب ایمان و توکلشان در زندگی دنیا استوار و ثابت قدم می‌سازد (احقاف، 13). کسانی که ایمان و توکلشان به خداوند متعال ﷺ است، از کسی جز وی نمی‌هراسند؛ به همین سبب در برابر ستمگران و مخالفان حق می‌ایستند و هرگز حیات معنوی خود را فنای حیات مادی نمی‌کنند (عبدالحمیدی، 1391، ص 77).

برای انسان موحد، فلسفه صبر، رسیدن به هدف‌های عالی و تکامل انسان است. در سایه سار بردباری، کوشش فرد برای بروز علاقه و استعدادش بالا می‌رود. صبر جوهره همه خوبی‌هاست. صبر، انسان موحد را از هر نوع خودباختگی و شکست روحی در امان می‌دارد و جلو سرکشی و کج روی وی را می‌گیرد. دلیل اصلی تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی غرب علیه ایران، کوشش برای از بین بردن صبر و استقامت مردم و مسئولان نظام و تسلیم شدن در برابر زیاده‌خواهی‌های آنهاست. افرادی که از منبع لایزال الهی نیرو می‌گیرند هیچ‌گاه در برابر فشارهای خارجی ناامید نمی‌شوند و در راه حق ثابت قدم باقی می‌مانند. صبر و استقامت در برابر دشواری‌های داخلی و خارجی اقتصادی نتیجه‌های بسیار مناسبی دارد از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

استقامت اقتصادی می‌تواند جلوی زیاده‌خواهی‌های دشمنان را گرفته و آنان را در مؤثر بودن تحریم‌ها ناامید کرده و باعث شود تا از ادامه آنها دست بردارند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «اگر می‌خواهید دشمن را از تهاجم منصرف کنید، اظهار ضعف نکنید» (بیانات مقام معظم رهبری، 1395/12/16).

معنای استقامت اقتصادی فقط استقامت در برابر فشارهای خارجی نیست بلکه استقامت برای حل دشواری‌ها و بهبود اوضاع اقتصادی، حرکت در راه گسترش علم و فناوری، رفع بروکراسی اداری، اصلاح الگوی مصرف، اصلاح سبک زندگی و ... نیز معنا پیدا می‌کند؛ پس می‌توان گفت صبر و استقامت اقتصادی در دو حوزه داخلی و خارجی موضوعیت دارد؛ در

حوزه خارجی استقامت در برابر فشارهای خارجی و باج‌ندادن به دشمنان و ثابت‌قدم بودن در راه هدف‌ها و آرمان‌های نظام و انقلاب است و در حوزه داخلی کوشش، همت، صبر و استقامت در راه حل دشواری‌ها و رشد و پیشرفت اقتصادی است.

تحمل دشواری‌های موجود در راه حل‌کردن دشواری‌ها و تنگناهای اقتصادی با انگیزه‌های معنوی و الهی حاصل می‌شود و انگیزه الهی می‌تواند این راه را آسان‌تر کند. گسترش روحیه توحیدی به رشد استقامت اقتصادی در مردم می‌انجامد و این امر به تقویت ویژگی دوم اقتصاد مقاومتی که «مقاومت در برابر عوامل تهدیدزای اقتصادی» است می‌انجامد.

3. انسان موحد و تدبیر معیشت

در نگاه توحیدی، عقل معاش به معنای توانایی مصرف معقول است که این امر در زندگی انسان موحد نقش به‌سزایی دارد و اگر توانایی کسب درآمد و توانایی مصرف معقول در کنار هم قرار بگیرد عقل معاش حاصل می‌شود. تدبیر معیشت به معنای مدیریت امور اقتصادی در جهت تأمین منافع و کاهش مضرات اقتصادی است. تقدیر معیشت و رعایت عقل معاش جزوی از کمال انسان تلقی شده است: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ النَّفَقَةُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ» (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 32). نهایت کمال انسان، دانشمندشدن در دین، صبر بر بلاها و حساب‌و‌کتاب اقتصادی در زندگی است.

منظور از «تدبیر معیشت» مدیریت عاقلانه فعالیت‌های مالی است. یکی از مهم‌ترین رفتارهای سوء اقتصادی که از طرف مدیران اقتصادی صورت می‌پذیرد عدم توجه به توانایی‌های اقتصادی داخلی و واردات بی‌رویه کالاهای خارجی است. مدیر اقتصادی اگر فردی موحد باشد بی‌گمان صفت تدبیر معیشت که از پافشاری‌های دین اسلام است در وی بروز خواهد داشت. اقتضای تدبیر معیشت این است که برای رونق کسب‌وکار و اقتصاد داخلی سیاست‌گذاری‌های دولت براساس حمایت از تولید داخلی و مدیریت واردات کالاهای خارجی قرار گیرد.

صفت تدبیر معیشت در عموم مردم نیز به آن خواهد انجامید که مردم بیشتر به سمت مصرف کالاهای داخلی رغبت نشان دهند چرا که می‌دانند استفاده از کالای داخلی به تقویت

اقتصاد داخلی خواهد انجامید؛ بنابراین هر اندازه روحیه توحیدی در عموم مردم تقویت شود به همان اندازه معادله پیش گفته پررنگ تر خواهد شد.

یکی دیگر از رفتارهای سوء اقتصادی مدیران اقتصادی افزایش روزافزون وابستگی به درآمدهای نفتی است. تجربه اکثر کشورهای دارای نفت در طول دوران استفاده از آن نشان می‌دهد وابستگی به درآمدهای نفتی برای اقتصاد امری نامطلوب بوده و عامل بسیاری از بیماری‌های اقتصادی و فسادهای ناشی از آن می‌شود. تعهد ناشی از باور به توحید در مدیر اقتصادی موحد می‌تواند عامل بسیار قوی در هدایت تصمیم‌های وی در جهت منافع جامعه اسلامی خواهد شد که یکی از این اقدامها کوشش برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است.

از نتیجه‌های دیگر تدبیر معیشت می‌توان به افزایش بهره‌وری سرمایه اشاره کرد. کاهش هدررفت سرمایه باعث تأمین سرمایه‌های لازم برای اجرای پروژه‌های اقتصادی کلان خواهد شد. اقتصاددانان همواره در پی رسیدن به راهکارهایی هستند تا بتوانند سرمایه‌های خرد و سرگردان موجود در بین مردم که قابل توجه نیز است را جمع کرده و تبدیل به سرمایه‌های کلان کنند. تدبیر معیشت اثر مستقیم بر این امر دارد که باعث پیشبرد هدف‌های اقتصاد مقاومتی خواهد شد (شاه‌آبادی، 1388، ص 74).

4. انسان موحد و آبادانی زمین

قرآن کریم انسان‌های مؤمن را به فعالیت‌های اقتصادی در زمین و آبادانی آن فراخوانده و این کار را در جهت تحقق اراده خداوند متعال ﷻ دانسته است. در قرآن کریم می‌خوانیم: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ «وی شما را از زمین پدید آورد و سازندگی آن را به شما واگذاشت» (هود، 61). آبادانی زمین در بینش دینی چنان اهمیتی دارد که حتی برپایی رستاخیز هم نباید مانعش شود. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «اگر در دست یکی از شما نهالی باشد و همان لحظه قیامت بر پا شود، اگر بتواند آن را غرس کند، چنین کند» (متقی‌هندی، 1401ق، ج 12، ص 341).

اقدام‌های عمرانی و سازندگی از عبادت‌های پافشاری‌شده در آموزه‌های دینی شمرده می‌شود. انگیزه دینی می‌تواند به‌عنوان قوی‌ترین عامل برای انسان در راه کوشش و همت در

راه تولید و سازندگی باشد. انگیزه فراوان برای عمران و آبادانی می‌تواند باعث پدید آمدن روحیه کار و کوشش در جهت تولید و شکل‌گیری ایده‌های نوآورانه و خلق موقعیت‌های جدید شغلی و افزایش سطح عمومی درآمد در جامعه در شود و این امر سرانجام به افزایش رفاه عمومی کشور خواهد انجامید. پافشاری اسلام به آبادانی زمین انگیزه بسیار قوی در انسان موحد پدید می‌آورد که هر چه بیشتر در جهت رشد و پیشرفت جامعه بکوشد. به لحاظ عقلی برای این کار باید از راه‌های کوتاه‌تر با بهره‌وری بالاتر استفاده شود؛ بنابراین حرکت به سمت جنبش علمی و گسترش مؤسسه‌های دانش‌بنیان مهم‌ترین راه خواهد بود. در این جهت مدیر موحد خواهد کوشید هر چه بیشتر این مؤسسه‌های رشد کنند و زمینه‌های سودآوری آن‌ها را فراهم کند. عموم مردم نیز با روحیه توحیدی بیشتر به سمت کوشش علمی و خلاقیت و نوآوری در این‌باره پیش خواهند رفت و از رفتارهای مخرب اقتصادی مانند دلالی خود را منع خواهند کرد.

5. انسان موحد و وجدان کاری

روحیه توحیدی ارتباط مستقیم با وجدان کاری افراد دارد. روحیه توحیدی باعث می‌شود افراد مؤمن در برابر وظیفه‌ها، خود را مسئول بدانند. افراد موحد کار را گونه‌ای از عبادت می‌دانند، امام صادق علیه السلام به یاران خود فرمود: «از ما نیست کسی که کار و کوشش مربوط به زندگی دنیوی را به‌علت پرداختن به امور اخروی رها سازد» (شیخ صدوق، 1368، ص 399). خداوند متعال جل جلاله در قران کریم می‌فرماید: «لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری» «انسان در گرو کوشش خویش است و نتیجه‌های آن را به زودی می‌بیند» (نجم، 40-39). انسان موحد همواره خداوند متعال جل جلاله را شاهد و ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌داند و در جهت جلب رضایت خداوند متعال جل جلاله در کار خود تمام همت خود را صرف می‌کند: «ألم یعلم بأن الله یری»؛ «آیا انسان نمی‌داند که خداوند متعال جل جلاله می‌بیند» (علق، 14). امام علی علیه السلام فرمود: «تقوای الهی را درباره خداوند متعال جل جلاله و بلاد وی رعایت کنید؛ زیرا شما حتی درباره سرزمین‌ها و چهارپایان بازخواست خواهید شد» (محمدی‌ری‌شهری، 1375، ج 4، ص 326). فردی که اهل تقواست، به آبادانی کشور، سرزمین‌ها و بهره‌وری اقتصادی همت می‌گمارد.

«جمال المعروف إتمامه» (آمدی، 1429ق، ص 136)؛ «زیبایی کار خوب به اتمام و پایان رسانیدن آن است». طبق روایت‌های گوناگون، خداوند متعال ﷻ از انسانی که کارها را به سرانجام می‌رساند راضی است: «إن الله تعالى يحب إذا عمل أحدكم عملاً أن يتقنه» (متقی هندی، 1401ق، ح 9128)؛ «خداوند متعال ﷻ دوست دارد اگر کسی کاری را انجام می‌دهد آن را درست انجام دهد». «إن الله يحب من العامل إذا عمل أن يحسن» (مجلسی، 1384، ج 47، ص 322)؛ «بی تردید خداوند متعال ﷻ دوست دارد که کننده کار، کار را خوب به سرانجام برساند». که همه این بیان‌ها افزون بر آن که استحکام را می‌رساند بر وجدان کاری نیز دلالت دارد.

از نتیجه‌های وجدان کاری، بلندهمتی و جدیت در کار و پرهیز از سستی است که پافشاری فراوان شده و رمز کامیابی در کارها شمرده می‌شود: «قدر الرجل علی قدر همته» (نهج البلاغه، ح 44)؛ «مبنای ارزش انسان مقدار همت و اراده وی است». پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ می‌فرماید: «یا علی ... إلیک و خصلتین: الضجر و الکسل، فإنک ان ضجرت لم تصیر علی حق و ان کسلت لم تود حقاً» (حرّ عاملی، 1416ق، ج 16، ص 66)؛ «ای علی ... از دو ویژگی پرهیز؛ بی‌حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر بی‌حوصله باشی. بر حق شکیبایی نکنی و اگر تنبل باشی، حقی را نگزاری». به بیان حضرت علی علیه السلام «من أطاع التواني، ضیع الحقوق» «آن‌کس، به کاهلی و سهل‌انگاری کردن نهد، حقوق دیگران را ضایع می‌سازد» (نهج البلاغه، ح 231).

از نتیجه‌ها و آثار وجدان کاری این است که کارها به‌صورت منظم و مستحکم و به‌طور کامل صورت می‌پذیرد. وجدان کاری برگرفته از روحیه توحیدی باعث می‌شود کارها نیمه‌تمام رها نشوند و در نتیجه از هدررفت سرمایه و منابع مالی جلوگیری می‌شود. اتلاف منابع بزرگ‌ترین آسیب ناشی از نبود نظم و استحکام در کار است که در جوامعی که وجدان کاری در افراد آن کم‌رنگ می‌باشد قابل مشاهده است. افزایش وجدان کاری به افزایش همت و عزم و اراده انسان برای انجام کارهای مهم‌تر و استحکام بیشتر کار می‌انجامد. از دیگر نتیجه‌های وجدان کاری دوری از کسالت و تنبلی است. وجدان کاری باعث می‌شود جلوی سوءاستفاده از بیت‌المال، تولید کالاهای غیراستاندارد، استفاده نادرست از منابع طبیعی و رقابت‌های ناسالم اقتصادی را کاهش یابد.

مفهوم جهاد اقتصادی متضمن همین موضوع است، مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی واژه جهاد در متون دینی، مبارزه کردن در راه خداوند متعال ﷻ با جان، مال و دارایی‌های خود در نبرد با کافران و باغیان با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن است (ابن حزم، 1406ق، ص 56). در مسائل اقتصادی نیز جهاد قابل تعریف است. جهاد اقتصادی به معنای کوشش و ایثار از جان و مال برای اصلاح امور اقتصادی است که داشتن وجدان کاری مهم‌ترین اصل وقوع آن است. انسان موحد با وجدان کاری که دارد می‌تواند جهاد اقتصادی کند. این روحیه‌ها به افزایش بهره‌وری، تولید باکیفیت کالا، نوآوری و اختراع در حوزه‌های گوناگون علمی و پیشتازی در صنعت خواهد انجامید که نقش مهمی در اجرای اقتصاد مقاومتی خواهد شد.

6. انسان موحد و تعاون

مبانی و فلسفه تعاون و هم‌کاری اجتماعی از نگاه قرآن کریم عبارت هستند از: اجتماعی بودن انسان و برآورده شدن بسیاری از نیازهای بشر در اجتماع، تعلق اموال و موهبت‌های الهی به جامعه و تمام مردم و مسئله برادری و اخوت دینی (wikiporsesh.ir / فلسفه تعاون در اسلام). از آن‌جا که انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازهایش در اجتماع برآورده می‌شود؛ بنابراین ناگزیر از تعاون و همکاری با دیگر افراد جامعه است و حیاتش به مشارکت اجتماعی وی با دیگر هم‌نوعانش وابسته است. اساس دین اسلام نیز بر اجتماع و پیوستگی افراد با جامعه است؛ زیرا وجود فرد محدود می‌باشد. به همین جهت، آثار و نتیجه‌هایی که بر اجتماع مترتب می‌شود، هرگز قابل قیاس با اثر محدود و ناچیز هر یک از افراد نخواهد بود؛ از این‌رو اسلام به پیروان خویش سفارش کرده تا در انجام کارهای نیک پشتوانه یکدیگر باشند و هنگامی که افراد با یکدیگر اجتماع کنند و روابط اجتماعی داشته باشند، روحیه وحدت در کالبد آنان دمیده می‌شود و از تفرقه و پراکندگی در امان خواهند بود؛ بنابراین در اسلام مشارکت اجتماعی اهمیتی به‌سزایی دارد (wikiporsesh.ir / صفات مؤمن واقعی).

خداوند متعال ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ (مائده، 2)؛ «و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز)

در راه گناه و تعدی همکاری نکنید». روشن است که اگر در میان افراد یک جامعه روحیه تعاون حکومت کند، زمینه برای پیشرفت مادی و معنوی آن جامعه فراهم می‌شود و تعاون و همکاری بستر مناسبی برای پیشرفت و تعالی و شکوفایی همه جانبه آن جامعه می‌شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر کس در پیشبرد کار مسلمانان اهتمام نورزد، در شمار مسلمانان نیست» (کلینی، 1407ق، ج 2، ص 164). معاونت و شرکت فعالانه و مخلصانه در کارهای نیک و مفید اجتماعی، بر هر فرد مؤمن لازم و واجب بوده و کسی که نسبت به پیشرفت امور اجتماعی مسلمانان و حتی پیشرفت کار یک مسلمان، حساس نباشد و فقط به اندیشه خویشتن باشد، مضمون آیه تعاون را نادیده گرفته است.

روحیه تعاون باعث تجمع سرمایه‌های کم و تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه‌های عظیم اقتصادی می‌شود که می‌تواند دشواری‌های اقتصادی بزرگی را مرتفع کند و در تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه‌های اقتصادی اثرگذار باشد. رشد روحیه تعاون باعث حضور بیشتر مردم در عرصه اقتصادی خواهد شد و شکل‌گیری گروه‌های کوچک و بزرگ از مردم و تجمع امکانات و توانایی‌ها می‌تواند نقش به‌سزایی در گسترش اقتصاد خصوصی و رونق اقتصادی شود. اقتصاد مبتنی بر تعاون به خروج اقتصاد کشور از حالت تک‌محصولی و تنوع‌بخشیدن به تولیدهای کشور می‌انجامد و سرانجام این امر باعث کاهش تهدیدهای اقتصادی کشور و کاهش وابستگی می‌شود.

عدالت، از جمله عدالت اقتصادی به حدی مورد اهتمام خداوند متعال جل جلاله است که در برخی آیه‌های قرآن کریم، هدف از ارسال پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی برپایی عدالت شمرده شده است (حدید، 25). پیش شرط تحقق این مفهوم در بازار به معنای عام و بازارهای مالی به معنای خاص آن است که اولاً، معامله‌ها، روشن و شفاف صورت پذیرد؛ ثانیاً، معیارهای سنجش عادلانه و دقیق باشند و ثالثاً، قیمت‌ها براساس حقوق طرفین شکل گیرد. بر این اساس بازارهای مالی و ابزارهای مالی باید از ابعاد گوناگون حقوقی و اقتصادی به‌گونه‌ای طراحی شوند که سرمایه‌گذاران مالی، به ارزش افزوده حاصل از به‌کارگیری سرمایه خود برسند.

7. انسان موحد و هوشیاری اقتصادی در برابر دشمن

خداوند متعال ﷻ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تَابَاتٍ أَوْ ائْفِرُوا جَمِيعًا» (نساء، 71)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد (طبق شرایط هر زمان و هر مکان) به سوی دشمن حرکت کنید». کلمه حذر بارها در قرآن کریم بیان شده و به معنای آمادگی و تهیاً و نیز مراقبت و هوشیاری برای جلوگیری از غافل‌گیری آمده است، آمادگی و هوشیاری مسلمانان در برابر دشمن یک امر واجب و فریضه الهی است و نمی‌توانند نسبت به این امر الهی بی‌اعتنا باشند. با توجه به گزینه‌ها استفاده می‌شود که حذر هم به معنای اسلحه و هم به این معناست که رزمنده برای مراقبت از توطئه دشمن آماده باشد.

انسان موحد با عنایت به پافشاری‌های اسلام بر هوشیاری در برابر اقدام‌ها و توطئه‌های دشمن خواهد کوشید همواره راه‌های نفوذ و آسیب دشمن را شناسایی و اقدام‌های لازم را در جهت از بین بردن و خنثا کردن آن‌ها انجام دهد. با توجه به این‌که کشور در برابر تحریم‌های اقتصادی قرار دارد و دشمن می‌کشد با تحریم کالاهای استراتژیک جامعه اسلامی را با بحران روبه‌رو کند؛ بنابراین هوشیاری در برابر دشمن اقتضا می‌کند؛ تولید کالاهای استراتژیک در داخل کشور به‌عنوان اولویت اقتصادی کشور در دستور کار مدیران و مردم قرار گیرد. مدیر موحد خواهد کوشید زمینه‌های آسیب دشمن در حوزه اقتصادی را هر چه بیشتر کاهش دهد؛ بنابراین تولید کالاهای استراتژیک را در اولویت قرار خواهد داد. رشد و تقویت روحیه توحیدی در مدیر می‌تواند اثر مستقیمی بر چگونگی تصمیم‌گیری و اقدام و علم وی داشته باشد. مدیر موحد با نگاه اندیشه‌ای به مسئله اقتصاد بر این باور خواهد بود که امروزه عرصه اقتصاد یکی از عرصه‌های جنگ دو جبهه حق و باطل است و هر اندازه اسلامی در این عرصه آسیب‌پذیرتر باشد به همان میزان عرصه برای جبهه باطل فراختر خواهد بود؛ بنابراین تمام کوشش خود را خواهد کرد تا آسیب‌ها و رخنه‌های موجود در اقتصاد جامعه اسلامی هر چه بیشتر کاهش یابد. از جمله این اقدام‌ها کوشش برای خودکفایی در کالاهای استراتژیک می‌باشد که از شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی است.

8. انسان موحد و کسب حلال

انسان مؤمن زندگی خود را به سه بخش تقسیم می‌کند: قسمتی را صرف مناجات با پروردگار خویش می‌کند؛ قسمت دیگرش را در راه اصلاح معاش و زندگی‌اش به کار می‌گیرد و قسمت سوم را برای بهره‌گیری از لذت‌های حلال و دل‌پسند صرف می‌کند. برای شخص عاقل، شایسته نیست که حرکتش جز در یکی از این سه جهت باشد: برای اصلاح امور زندگی، در راه آخرت یا در راه لذت غیر حرام (نهج‌البلاغه، کلمات قصار ش 390).

مرحوم شیخ حرّ عاملی رحمته الله علیه این روایت را نقل می‌کند که:

زمانی که این آیه نازل شد «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق، 65- 2- 3)؛ هر کس از خداوند متعال تعالی بترسد از جایی که نمی‌اندیشند روزی وی می‌رسد؛ با نزول این آیه، عده‌ای کار و کسب خود را تعطیل کردند و به عبادت رو آوردند و گفتند: خدا روزی ما را می‌رساند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی این جریان را شنید همه را فراخوانده و فرمود: «چه سبب شد دست از کار کشیدید؟! گفتند: این آیه. حضرت فرمود: کسی که چنین کند دعای وی مستجاب نمی‌شود و مشمول رحمت خداوند متعال تعالی نیست؛ «عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ»، در پی کار و روزی حلال بروید» (حرّ عاملی، 1416ق، ج 17، ص 27).

کسب رضای خداوند متعال تعالی از ویژگی‌های رفتار انسان موحد است و به همین علت نیز می‌کوشد در تحصیل مال طبق دستورهای وی عمل کند تا رضایت خداوند متعال تعالی جلب شود. از اثرهای کسب روزی حلال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) جلوگیری از رشوه

یکی از عامل‌های مخل در رشد و توسعه اقتصادی یک جامعه شیوع پدیده رشوه در آن است. روحیه توحیدی می‌تواند مانع شکل‌گیری چنین پدیده‌ای در بین مردم و مسئولان باشد و به اجرای صحیح قانون‌ها و اثرگذار بودن قانون‌های اقتصادی خواهد انجامید. نهی شدید متن‌های دینی درباره رشوه، عاملی قوی برای جلوگیری از رشد پدیده رشوه به وسیله انسان موحد خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَعْنُ اللَّهِ الرَّأْشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا» «رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه بین این دو ملعون هستند» (مجلسی، 1384، ج 101، ص 274).

سماعه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «الرشا فی الحکم هو الکفر بالله؛ رشوه در قضاوت کفر به خداوند متعال جل جلاله است» (حرّ عاملی، 1416ق، ج 18، ص 162). اگر جامعه دینی به سمت پیاده‌کردن احکام دینی در جامعه حرکت کنند و روحیه توحیدی در جامعه گسترش یابد، بی‌گمان ریشه رشوه‌خواری خشکانده شده و به‌طور قطع جامعه از دشواری‌هایی که بیان شد خلاصی پیدا خواهد کرد (حقی، 1375، ص 57).

ب) از بین رفتن رباخواری

ربا یکی از منکرهای اسلامی است که در متن‌های دینی قرآن کریم و روایت‌های امامان معصوم علیهم السلام با شدیدترین الفاظ به نکوهش و نهی مردم از انجام آن پرداخته شده است. در آموزه‌های دینی ربا را جنگ با خداوند متعال جل جلاله دانسته‌اند که می‌توان مفهوم‌های آن را در آیه‌های 279 - 275 سوره بقره، آیه 161 سوره نساء، آیه 39 سوره روم و آیه‌های 130 و 131 سوره آل‌عمران مشاهده کرد. تولید و شکوفایی اقتصادی با داشتن یک نظام پولی و بانکی کارآمد و سالم امکان‌پذیر است. در یک جامعه‌ای که ربا در آن نقش مهم و در حال گسترشی دارد، هیچ تعادلی برقرار نخواهد شد. در چنین جامعه‌ای پس‌اندازها به سوی سرمایه‌گذاری و تولید مولد حرکت نخواهد کرد. بیکاری از جمله موارد دیگری است که ریشه آن را می‌توان در ربا جست‌وجو کرد. اگر افراد با هدف پدیدساختن کسب‌وکار پول دریافت کرده باشند رشد بدهی‌های ناشی از ربا به اندازه‌ای است که جلوی سود را گرفته و در عمل باعث افزایش خسارت‌های مالی می‌شود؛ زیرا تولیدکنندگان باید به‌گونه‌ای تولید کنند که بازدهی حاصل از سرمایه‌گذاری بالاتر از بهره پرداختی باشد. از این‌رو، کاهش در سرمایه‌گذاری، سبب کاهش در تولید و درآمد ملی می‌شود و خود این موضوع باعث کاهش تقاضا برای نیروی کار و در نتیجه بیکاری خواهد شد (یوسفی، 1381، ص 147-144).

ربا باعث می‌شود در بخش قابل توجهی از مردم انگیزه کار و کوشش و نوآوری از بین برود وقتی از راه ربا افرادی به ثروت‌های کلان بدون زحمت می‌رسند دیگر انگیزه‌ای برای تولید و کار و کوشش باقی نمی‌ماند. ربا و نرخ بهره می‌تواند سبب توزیع ناعادلانه بین‌نسلی و تخصیص

ناعادلانه منابع شود و آیندگان و فرزندان از آن متضرر خواهند شد. ربا باعث ثروت‌اندوزی عده‌ای و فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی عده دیگر خواهد شد (مطهری، [بی‌تا]، ص 87).

اگر جامعه‌ای فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی خود را بر پایه ربا سامان دهد، شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد و جامعه را از تعادل اقتصادی و ثبات لازم دور خواهد کرد و رشد و توسعه اقتصادی را کاهش می‌دهد. عدل و انصاف از میان می‌رود و هر کس به حق خود آن‌گونه که باید نمی‌رسد و رشد جمعیت، تقسیم‌کار، تخصصی‌شدن تولید، رشد روزافزون فناوری و ... نمی‌تواند در آن به‌دست آید.

ج) از بین رفتن دزدی و سرقت اموال بیت‌المال

دزدی یکی از افعال نکوهیده در اسلام است که نتیجه‌های ناگواری در این دنیا و روز قیامت برای دزد خواهد داشت. دزدی از بیت‌المال از نکوهیده‌ترین افعال نزد خداوند متعال ﷻ و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشد که انسان موحد به شدت از آن نهی شده است. *امیر مؤمنان علیه‌السلام* در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود که وی را بر اثر پیمان‌شکنی و خوردن بیت‌المال سرزنش کرده و فرمود:

«آیا به معاد ایمان نداری؟ و از بررسی دقیق حساب روز قیامت نمی‌ترسی؟ ای کسی که پیش ما از خردمندان به شمار می‌آمدی! چگونه خوردنی و آشامیدنی را در دهان فرو می‌بری در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌آشامی؟ چگونه با اموال ایتم و مساکین و مؤمنان و مجاهدان راه خداوند متعال ﷻ، کنیز می‌خری و زنان را به همسری می‌گیری؟ در حالی که می‌دانی این اموال را خداوند متعال ﷻ به آنان بازگرداند و به وسیله آنان بلاد اسلام را حفظ و نگه‌داری کرد؟!» (نهج‌البلاغه، ن 41).

انسان موحد به خود اجازه دست‌درازی به بیت‌المال مسلمانان را نمی‌دهد و در حفظ و حراست از آن می‌کوشد. انگیزه‌های درونی انسان موحد در مبارزه با فساد اقتصادی مبانی دینی و الهی دارد و عامل بسیار قوی در جلوگیری از فسادهای اقتصادی در سطوح مدیریتی و عموم مردم خواهد شد. هر اندازه روحیه توحیدی در مردم و مدیران افزایش یابد به همان میزان فسادهای اقتصادی کاهش خواهد یافت و زمینه‌های شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی مهیا خواهد شد.

9. نگاه غیرمادی انسان موحد به جهان و کمک اقتصادی به قشر ضعیف

با وجود آنکه دین اسلام بی تفاوتی به دنیا و اقتصاد را قبول ندارد و پافشاری دارد انسان نباید ابزار دست دنیا شود، با این حال جهان مادی را طرد نکرده و دنیا را ابزاری برای سعادت و رسیدن به کمال می‌داند؛ دین اسلام این حقیقت رفیع را که معیار کرامت، قرب به کمال مطلق و توجه به خدای سبحان ﷻ است، در قالب فعالیت‌های توحیدی مطرح ساخته است؛ زیرا عده‌ای برای جلب فواید دنیایی فعالیت می‌کنند (طباطبایی، 1383، ج 1، ص 274 - 273). این گروه در پی کسب کرامت هستند اما کرامت را در برخورداری از نعمت‌های مادی و فواید دنیوی می‌دانند اما در شیوه تربیتی اسلام که توحیدمحور است انسان موحد فقط برای قرب به حق نسبت به رفتارهای گوناگون مداومت می‌کند (طباطبایی، 1372، ج 1، ص 542 - 533)؛ بنابراین تمام فعالیت‌های وی بوی خدایی می‌دهد.

انسان موحد، نسبت به موهبت‌های طبیعت، دید ابزاری دارد؛ یعنی موهبت‌های دنیوی را وسیله‌ای برای حیات دنیوی و حیات دنیوی را وسیله‌ای برای حیات اخروی می‌داند و این سه را برای کسب رضای الهی، حال کسی که به دین و به خداوند متعال ﷻ و قیامت باور دارد و صاحب چنین نگرشی به عالم ماده و ابزار و وسایل زندگی است، سود و منفعت اقتصادی خویش را به عنوان یگانه اصل موجود قرار نمی‌دهد بلکه مسائل دیگری مانند قرب الهی اصل قرار خواهد گرفت و منفعت اقتصادی فرع آن خواهد بود. این نوع نگرش اثر مستقیم بر عملکرد اقتصادی افراد خواهد داشت.

نگاه ابزاری انسان موحد به دنیای مادی که سرچشمه گرفته از روحیه توحیدی است به شکل‌گیری احساس مسئولیت نسبت به هم‌نوعان خود، قانون‌پذیری، رعایت‌کردن حق و حقوق دیگران و پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی می‌انجامد. در متن‌های دینی حفظ حرمت برادر مؤمن امری واجب قلمداد و کمک به هم‌نوع و اطلاع از اوضاع اقتصادی دوستان و آشنایان از ملزوم‌های اخلاقی مسلمانی لحاظ می‌شود؛ بنابراین انسان موحد اگر بداند فردی در تأمین نیازهای اقتصادی خود درمانده برای کمک به وی شتاب می‌کند. با توجه به این‌که انسان موحد جهان ماده را مرحله‌گذاری برای رسیدن به زندگی ابدی خود می‌داند و آن را امری فانی و محل آزمایش انسان قلمداد می‌کند دیگر یگانه عامل تعیین‌کننده رفتار وی،

مسئله سود مادی نخواهد بود و انگیزه‌های معنوی جایگاه ویژه‌ای در زندگی اقتصادی وی پیدا خواهد کرد. با این نگاه انسان موحد هیچ‌گاه به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند، در فعالیت‌های اقتصادی می‌کوشد به کسی ظلمی روا نشود، کم‌فروشی نکند و کمک به زیردستان و فقیران از اعمال نیک در آموزه‌های دینی شمرده می‌شود. خداوند متعال ﷻ به مؤمنان توصیه می‌کند از اموال خود برای بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی افراد ضعیف و مستمند بذل و بخشش کنند.

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، 261)؛ «کسانی که اموال خود را در راه خداوند متعال ﷻ انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یک‌صد دانه باشد و خداوند متعال ﷻ آن را برای هر کس که بخواهد، دو یا چند برابر می‌کند و خداوند متعال ﷻ وسیع و داناست».

نهادینه‌شدن روحیه انفاق و بخشش باعث کاهش شکاف‌های اقتصادی و جلوگیری از انباشت ناعادلانه ثروت در بخشی از جامعه می‌شود. این روحیه، جامعه را از اسراف و اتراف بازمی‌دارد و سبب شکوفا شدن و پدیدساختن انگیزه اقتصادی در بخش ضعیف جامعه برای ورود به عرصه کار و تولید و پیشرفت اقتصادی می‌شود. ورود این قشر از جامعه به عرصه‌های اقتصادی می‌تواند سرمایه‌های عظیم نیروی انسانی مستعد با ایده‌ها و انگیزه‌های قوی را وارد اقتصاد کشور کند. «بخشش هر چند اندک باشد، در اقتصاد اثرگذار است؛ از این رو به جریان انداختن ثروت به پیکر اقتصاد جامعه جان می‌بخشد و باعث رونق مبادله‌های اقتصادی می‌شود» (حائری، 1386، ص 22). از این رو است که بر بذل و بخشش پافشاری فراوانی شده است و بهتر می‌باشد که افراد مازاد بر نیازشان را در راه خداوند متعال ﷻ انفاق کنند تا ثروت در راه درستش قرار گرفته و بازتاب مثبتی در حیات اقتصادی جامعه داشته باشد. امام علی علیه السلام نیز بخشش و صدقه را راه نزول روزی می‌داند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ؛ روزی را با صدقه‌دادن فرود آورید» (نهج البلاغه، ح 137).

در جهان‌بینی توحیدی کرامت و منزلت انسانی ارزش ذاتی دارد. هیچ فعالیت اقتصادی نباید به خدشه‌دار شدن کرامت انسانی افراد بینجامد. برخلاف اقتصاد سرمایه‌داری که فقط به

سود اقتصادی اهمیت فائل است؛ در اقتصاد اسلامی کاهش شکاف اقتصادی و کوشش برای بهبود رفاه اقتصادی قشر ضعیف جامعه پافشاری فراوانی شده است. مدیر اقتصادی هر اندازه روحیه توحیدی داشته باشد به همان میزان خواهد کوشید که تصمیم‌های اقتصادی در جهت بهبود وضع اقتصادی قشرهای کم‌درآمد برگزیند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بسیاری از دشواری‌های اقتصادی سرچشمه‌گرفته از رفتار نادرست اقتصادی افراد است. رفتار انسان‌ها به‌طور مستقیم درباره با جهان‌بینی افراد است. آیه‌ها و روایت‌های فراوانی در منابع دینی وجود دارد که شکل‌دهنده رفتار و کنش اقتصادی افراد یک جامعه دینی است. پیاده‌سازی دستورهای اقتصادی اسلام به باور راستین پیروان آن و عمل کردن به رهنمودها و دستورهای آن است. هر اندازه سطح ایمان پیروان دین اسلام بالاتر باشد به همان میزان رفتارهای صحیح اقتصادی در جامعه شیوع پیدا خواهد کرد و این امر می‌تواند به شکل‌گیری جامعه آرمانی اسلامی که در آن، جامعه از اقتصادی پویا و مولد همراه با عدالت اجتماعی برخوردار است بیانجامد. رفتارهای اقتصادی با پشتوانه دینی انسان موحد به شکل‌گیری و تقویت ساختارهای اقتصاد مبتنی بر آن خواهد انجامید.

رفتارهای درست اقتصادی سرچشمه‌گرفته از جهان‌بینی الهی به شکل‌گیری مناسبت‌های اقتصادی مطلوبی خواهد انجامید که نتیجه‌های بسیار اثرگذار در اجرا و پیشبرد اقتصاد پویا و مولد خواهد داشت. اقتصاد پویا و مولد تأمین‌کننده هدف‌های اقتصاد مقاومتی است، از نمونه نتیجه‌های نگاه توحیدی به اقتصاد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توزیع درست منابع، اصلاح سیاست‌ها و قانون‌های اقتصادی در جهت منافع عامه، افزایش میزان سرمایه‌گذاری، پدیدساختن رقابت سالم در اقتصاد، افزایش درآمدهای دولتی، کاهش مخارج دولتی، افزایش سطح تولید و فقدان نوآوری، ارتقای سطح رشد، حاکم شدن شایسته‌سالاری در مناسبت‌های اقتصادی، کاهش فقر و ناعدالتی، تقویت حاکمیت قانون، کاهش جرم، از بین رفتن رباخواری، جلوگیری از زیاده‌روی‌ها و اسراف‌ها، بهره‌وری سرمایه، افزایش روحیه تعاون و همکاری در جامعه، تجمیع سرمایه‌های کم و تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه‌های عظیم اقتصادی، جلوگیری

از هدررفت سرمایه و منابع مالی، نوآوری و ابتکار و استحکام بیشتر کار، جلوگیری از سوءاستفاده از بیت‌المال، تولید کالاهای استاندارد، استفاده درست از منابع طبیعی و رقابت‌های سالم اقتصادی، پدیدساختن حق برخورداری برابر از کالاها و موهبت‌های و فرصت‌های اولیه برای تمام فعالان اقتصادی، استفاده بهینه از اموال و منابع عمومی و دولتی، توازن درآمدها و برخورداری افراد جامعه از رفاه متوازن، رشد نیروی انسانی متوازن با روحیه رقابت صحیح، کشف استعدادهای بیشتر در نیروی انسانی کشور، فراهم آوردن زمینه‌های بیشتر نوآوری و تولید و بهره‌وری در اقتصاد به تناسب گستره نیروی انسانی کشور، تنظیم روابط اقتصادی بین افراد مبتنی بر اعتماد و ارزش متقابل، روان‌شدن مبادله‌های و افزایش چرخش مالی و رونق‌گرفتن اقتصاد کشور، کاهش شکاف‌های اقتصادی، جلوگیری از انباشت ناعادلانه ثروت در بخشی از جامعه.

مواردی که گفته شده گزیده‌ای مختصر از اثرهای نگاه توحیدی افراد به عرصه اقتصاد است. براساس آنچه که ارائه شد می‌توان به لزوم پدیدساختن و گسترش و تعمیق جهان‌بینی توحیدی در جامعه اذعان کرد. رابطه بین نتیجه‌های پیش‌گفته و روحیه توحیدی، رابطه‌ای مستقیم است؛ به این معنا که هر اندازه روحیه توحیدی در جامعه اسلامی تعمیق یابد به همان اندازه جامعه در تحقق هدف‌های اقتصادی پیش‌گفته کامیاب خواهد شد از این رو می‌توان به اهمیت موضوع تعلیم و تربیت دینی پی برد؛ بنابراین مثلث روحیه توحیدی، تعلیم و تربیت و اقتصاد می‌تواند در درازمدت چرخه اقتصاد مولد و پویا را شکل داده و تداوم بخشد و از نسلی به نسل دیگر منتقل کند. مجال پرداختن به موضوع تعلیم و تربیت دینی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی در مقاله پیش‌رو وجود نداشت؛ اما این موضوع می‌تواند به عنوان موضوعی در جهت تکمیل مقاله پیش‌رو جهت تحقیق و بررسی به محققان پیشنهاد شود.

منابع و مأخذ

1. ابن حزم؛ الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم؛ بیروت: بنداری، 1406ق.
2. آلن هملین؛ اخلاق و اقتصاد؛ ترجمه: افشین خاکباز و محمدحسین هاشمی؛ تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، 1386.

3. آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ تحقیق: سیدمهدی رجایی؛ قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، 1429ق.
4. حائری، محسن؛ اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه؛ تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه، چ 2، 1386.
5. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ج 24، 1416ق.
6. حقی، محمد؛ مسئله عدالت و رشوه از دیدگاه اسلام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1375.
7. خاکی، غلامرضا؛ روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی؛ تهران: بازتاب، 1382.
8. دپویی، گزایه؛ فرهنگ و توسعه؛ ترجمه: فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین‌قلم؛ تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، چ 1، 1374.
9. شاه‌آبادی، محمدعلی؛ مروری بر تجمل و اسراف؛ قم: دفتر نشر معارف، 1388.
10. شیخ‌صدوق، محمدبن علی؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ قم: رضی، 1368.
11. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چ 5، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1372.
12. _____؛ تفسیر البیان فی موافقه بین الحدیث و القرآن؛ تحقیق: اصغر اردتی؛ قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی علیه‌السلام، 1383.
13. طبرسی، فضل‌بن حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: ناصرخسرو، ج 4، 1372.
14. عبدالمحمدی، حسین؛ تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام؛ قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، 1391.
15. عیوضلو، حسین؛ شاخص‌های عدالت اقتصادی، کمیته اقتصاد و تلفیق کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری؛ تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، 1386.
16. کلینی، محمدبن یعقوب؛ کافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ 4، 1407ق.
17. متقی‌هندی، علی‌بن حسام‌الدین؛ کنز العمال فی سنن الأَقوال و الأَفعال؛ تحقیق: بکری حیانی؛ بیروت: مؤسسه الرساله، چ 5، 1401ق.
18. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1384.

19. محمدی‌ری شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه؛ قم: دارالحدیث، ج 4، چ 1، 1375.
20. مطهری، مرتضی؛ مسئله ربا و بانک؛ تهران: انتشارات صدرا، [بی تا].
21. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج 3، قم: کتابخانه مدرسه فقاہت، 1374.
22. یوسفی، احمدعلی؛ ربا و تورم؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1381.
23. Graf Friedrich Wilhelm; 2004, **Die wiederkehr der Götter, Religion in der Modernen Kultur**; München, C.H. Beck.
24. Koch, Anne; **Zur Interdependenz von Religion und Wirtschaft-Religionsökonomische Perspektiven**; In: www. Religionswissenschaft. Lmu.de.